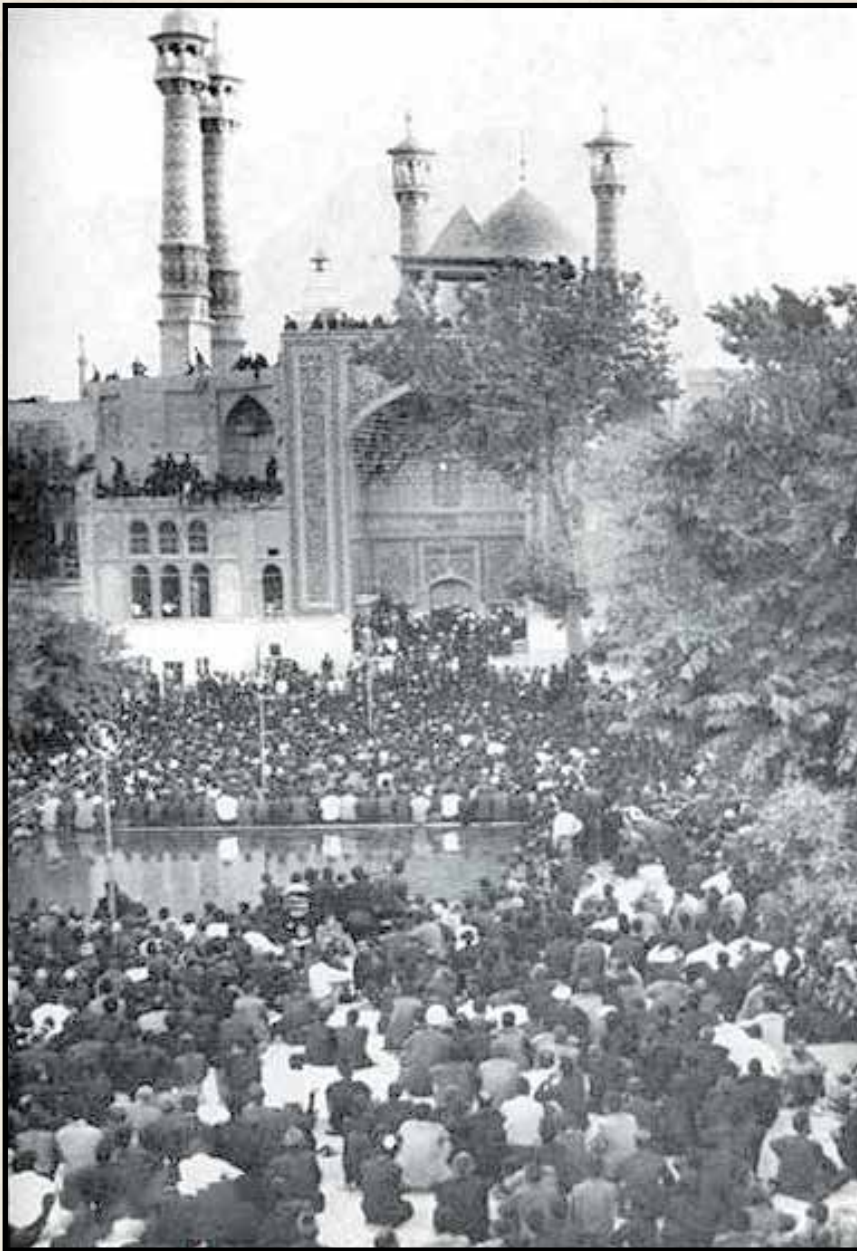


# تاریخ

## هیأت؛ قلب نهضت امام

محمد مهدی اسلامی  
نویسنده و پژوهشگر



«اشخاص متدین را، به جرم آنکه در عاشورا دسته راه انداخته اند و شعار ضداسرائیل با خود داشته اند، به حبس و زجر و شکنجه کشیدند و اکنون هم در حبس به سر می برند، با آنکه با کمال آرامش حرکت می کردند...» این بخشی از پیام امام امت به ملت ایران در فروردین ماه ۱۳۴۳ است. زمانی که پس از زندان و حصر... فرصتی برای امام جهت اظهار تأسف از تسلط اسرائیل و عواملش بر شئون مملکت و تمجید از مبارزه یاران در عاشورای حماسی ۱۳۴۲ پدید آمده بود. پیام امام به برنامه های محرم سال ۱۳۴۲ شمسی اشاره داشت که با انبوه بی شمار شرکت کنندگان در راهپیمایی عاشورا، ادعاهای شاه درباره رفتارندوم و رأی مردم و رأی چهار هزار و خرده ای مخالفان که رژیم اعلام کرده بود، باطل گشت و ادامه آن منتهی به جریان قیام مردمی و اسلامی ۱۵ خرداد و مراسم بزرگداشت آن و تعطیل سراسری در هفتم شهدای ۱۵ خرداد ۴۲ و مهاجرت مراجع و علمای شهرها به تهران و تعطیلی بازارها و خیابان ها و تحریم انتخابات و مجلس فرمایشی دوره ۲۱ شاه، فعالیت های دوران محصور بودن امام خمینی، آزادی ایشان، جریانات قم و جشن مدرسه فیضیه و... شد.

**آغاز به میدان آمدن هیأت ها**  
امام اعلامیه های مؤثری در مقدمه سازی برنامه محرم صادر فرمودند که مهم ترین آن ۵ روز قبل از شروع محرم یعنی در ۲۸ اردیبهشت بود؛ شهید شیخ فضل الله محلاتی در خاطراتش نقل می کند که امام وی را مأمور کرد تا سران هیأت های عزاداری تهران را در جلسه ای فرا خوانده و برای اتخاذ تدابیر لازم جهت بهره برداری سیاسی از مجالس آنها برنامه ریزی کنند. شهید حاج مهدی عراقی نیز در خاطراتش به طور تفصیلی از کوشش های خود برای حمایت «شیخ الواعظین» تهران یعنی حجت الاسلام محمد تقی فلسفی سخن رانده و تصریح می کند که جلب نظر افرادی مانند مرحوم فلسفی از میان وعاظ و حاج عباس زری باف و حاج ناظم از میان مداحان تهران از این جهت اهمیت داشت که بسیاری از وعاظ و مداحان پیرو و دنباله رو آنها بودند.

صبح عاشورای ۱۳۴۲ سیل جمعیت در تهران با شعارهایی که توسط شهید حاج صادق امانی سروده شده بود از مبدأ راهپیمایی یعنی مسجد حاج ابوالفتح در میدان قیام حرکت کردند. پلیس از ابتدای صبح مسجد را در محاصره گرفته بود، اما سیل جمعیت آنان را به وحشت انداخت و نتوانستند مقاومتی کنند. پس از هماهنگی های لازم جمعیت به طرف دانشگاه تهران به حرکت درآمد.

شهید محمد صادق اسلامی می گوید: «از همه دسته های مذهبی دعوت

جریان فعال مذهبی روشن بین و روشنفکر و دارای حرف نو، در تهران بیش از همه جای کشور رواج پیدا کرد و پیشرفت پیدا کرد: مساجد آباد، روحانیت مبارز و روشنفکر، مجالس دینی پر جمعیت - البته «پر جمعیت» نسبت به آن روزها، نه نسبت به امروز که جمعیت ده ها برابر بیشتر از آن وقتها در مجالس اجتماع می کنند؛ امانت به آن روزها، مجالس تهران جزو پر جمعیت ترین مجالس بود؛ هم مجالس عزاداری اش، هم مجالس گوناگون مذهبی اش - گفتارهای مذهبی تحول آفرین در بخشهای مختلف تهران؛ اسلام سیاسی ای که در سخنرانی ها و در مناظر گوناگون در تهران، در مساجد مختلف یاد هیأت های مذهبی مختلف ترویج می شد؛ نمودارهای مذهبی ای که برای جوانها جذاب بود؛ در هیأت های که در خانه ها تشکیل می شد - این [مطلبی] که عرض میکنم، اطلاعات نزدیک من است که به چشم خود دیدم - در هیأت های مذهبی خانه به خانه، جوان دانشگاهی شرکت می کرد؛

از کلاسش می زد برای اینکه بتواند در این هیأت شرکت بکند. یک چنین وضعیتی در تهران وجود داشت که این، درست نقطه ای مقابل آن وضعیتی بود که دستگاه منحرف پهلوی های خواستند در ایران و بخصوص در تهران که پایتخت بود، به وجود بیاورند.

مقام معظم رهبری

۱۴۰۲/۱۱/۰۳

قم، مدرسه فیضیه. هنگام ایراد بیانات تاریخی امام خمینی در عاشورای سال ۱۳۴۲ که منجر به واقعه ۱۵ خرداد شد

گذاشته است. ما تعجب کردیم که جریان از چه قرار است، چون تا آن روز تصور می کردیم که طیب، فدایی شاه است.»

### دومین سال میانداری هیأت هادر نهضت

پیام امام برای ماه محرم در سال ۱۳۴۳ شمسی، رابطه با اسرائیل را ننگ بزرگ شمرده و خواستار وحدت مسلمین برای مقابله با اسرائیل بود. پیام امام منجر به بزرگداشت حادثه سال قبل شد. یکی از محورهای راهپیمایی عاشورای سال ۱۳۴۳ خورشیدی، مقابله با ذلت پذیری در برابر دشمنان اسلام بود. شهید لاجوردی که در همه صحنه های مبارزه علیه شاه و استکبار، نقش مؤثری را در جمع یاران داشت، در این خصوص می گوید: «شهید همیشه زنده ما «مهدی» در تظاهرات عظیم سال ۴۳ که به ابتکار جمعیت های مؤتلفه اسلامی ترتیب یافت، سخنرانی پرهیجانی را ایراد کرد که در آن زمان و در چنان تظاهراتی، کمتر کسی را جرأت چنین کاری بود.»

فعالیت عاشورای ۱۳۴۳ محدود به تهران نبود. به عنوان نمونه شهید آیت الله دکتر مفتاح سفری بسیار مؤثر به آبادان داشت. مرحوم آیت الله

افتادیم با طیب صحبت کنیم. ما رفتیم و به طیب گفتیم آقای خمینی فرموده اند که طیب مسلمان است و در مقابل دینش نمی ایستد. همین که این حرف را زدیم، او سرش را پایین انداخت، بعد یکی از نوچه های پیش را صدا زد و دو بیست تومان پول به او داد و گفت برو و یک عکس از آقا تهیه کن که جلوی دسته قرار بدیم. او قبلاً عکس شاه را بزرگ می کرد و جلوی دسته قرار می داد، ولی حالا می خواست عکس امام را بگذارد و دسته راه بیندازد. آن روز آمدند و به من گفتند که دسته طیب آمده و عکس حاج آقا روح الله را جلوی دسته

در روز عاشورا می دانستند و ایران و قم را کربلا؛ اما یکی از زیباترین نقاط عطف عاشورای ۱۳۴۲، رویش حر انقلاب بود. آیت الله سید جعفر شبیری زنجانی در این باره می گوید «بعدها، شهید عراقی نقل کردند که روزی که در قم در محضر امام بودیم، ایشان فرمودند: «امسال هیأت ها جهت دار باشند.» ما به امام عرض کردیم مهم ترین هیأت متعلق به طیب است که طرفدار شاه است و اگر او مخالفت کند، کارها خراب می شود. امام فرمودند: «طیب مسلمان است و در مقابل دینش مقاومت نمی کند.» و به این شکل بود که ما به فکر



سخنرانی امام خمینی در عاشورای سال ۱۳۴۲